

همشید مهر یویا

در این مقاله می خوانید :

- ☆ پیشگفتاری درباره نوروز
- ☆ نوروز اساطیری
- ☆ گاهشاری و نوروز
- ☆ مراسم نوروز در پیش از اسلام
- ☆ نوروز در صدر اسلام
- ☆ نوروز در دربار شاهان
- ☆ افسانه های نوروزی
- ☆ نوروز مردمی
- ☆ نوروز و ادبیات
- ☆ نوروز و موسیقی
- ☆ باورهای مردم و حرفهای دیگر درباره «نوروز»

الف - پیشگفتار

بانگش به یادگارهای یافته شده در دل کوهها، سنگها و خاکهای ایران، درمی یابیم که ایران، سرزمین سرگذشتها و رویدادهای فراوانی بوده و مردم ایران در فراز و نشیب زندگی خود، در زمانهای گوناگون تاریخی سخت کوشیده اند قراردادهای اجتماعی خویش را چون گوهری گرانبها، سینه به سینه نگاهبان باشند و به زادگان و پیوندهای خود بسپارند. یکی از این یادگارهای ارجمند که از کوچ آریائیها به سرزمین زردشت تا امروز، پا برجا و استوار با رسیده، «نوروز» کهن است که فروزنده آذردها، دل و روان ایرانیان در همه زمانهای تاریخی خود، بوده و همبستگیها و اندیشه گذشتگان و پدرانمان را - بما - پیشکش نموده است.

ب- نوروز پیش از اسلام

(۱) - نوروز در اساطیر ایرانی

همه کردنیها چو آمد پدید
به گیتی جز از خویشان کس ندید
چو آن کارهای وی آمد بجای
ز جای مهین برتر آورد پای
به فرکیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت او
فرمانده از فرقه بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روزنو خواندند
سر سال نو هرگز و فرودین
بر آسوده از رنج تن دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

در غالب افسانه‌های اساطیری ایرانی پیدایش نوروز را به جمشید پیشدادی منسوب نموده‌اند ، گذشته از شاهنامه فردوسی که بنیافگذاری نوروز را به جمشید نسبت داده ، ابوریحان بیرونی نیز در کتاب آثار الباقیه ، پیدایش نوروز را چنین بیان می‌کند :

(... برخی از علماء ایران می‌گویند سبب اینکه این روز را نوروز می‌نامند این است که در ایام تهمورث «صائبه» آشکار شدند و چون جمشید به پادشاهی رسید دین خود را تجدید کرد و این کار خیلی بزرگ به نظر آمد و آن روز که روز تازه‌ای بود ، جمشید عید گرفت اگرچه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود و دسته دیگر از ایرانیان می‌گویند که جمشید زیاد در شهرها گردش نمود و چون خواست به آذربایجان داخل شود بر سریری از زر نشست و مردم به دوش خود آن تخت را می‌بردند و چون پرتو آفتاب بر آن تخت بتابید و مردم آن را دیدند این روز را عید گرفتند و در این روز رسم است که مردمان برای یکدیگر هدیه می‌فرستند و سبب آن چنانکه آذرباد موبد بغداد حکایت کرد این است که نیشکر در کشور ایران روز نوروز یافت شد و پیش از این کسی آن را نمی‌شناخت و نمی‌دانست که چیست ، و خود جمشید روزی نی‌ای را دید که کمی از آبهای درون آن به بیرون تراوش کرده بود و چون جمشید دید که آن شیرین است ، امر کرد که آب این نی را بدرون آوردند و از آن شکر ساختند و آنگاه در روز پنجم شکر بدست آمد و از راه تبرک به آن ، مردم برای یکدیگر هدیه فرستادند .»

بلعمی دربر گردان تاریخ طبری ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری می‌نویسد :

«پس جمشید علما گرد کرد و از ایشان پرسید که چیست که این پادشاهی بر من باقی و پاینده دارد ؟ گفتند : داد کردن و در میان خلق نیکی ، پس او داد بگسترد و علما را بفرمود که روز مظالم من بنشینم ، شما نزد من آئید تا هر چه درو داد باشد مرا بنمایید تا من آن کنم و نخستین روز که به مظالم بنشست روز هر مز بود از ماه فروردین ، پس آن روز را نوروز نام کرد ، تا اکنون که سنت گشت .»

شادروان استاد سعید نفیسی در شماره اول پیام نوین در باره افسانه های اساطیری می‌نویسد :

«در داستانهای ایران باستان دو روایت در باره نوروز هست : برخی گفته‌اند : نوروز را کیخسرو بنیاد نهاد و نخستین کسی که این جشن را معمول کرد و کاخهای پادشاهی ساخت و پایه پادشاهی را استوار کرد و سیم و زر و فلزات را بر آورد و از آهن افزارهایی ساخت و ستور را راهوار کرد و مروارید بر آورد ، و مشک و عنبر و بوی خوش بکاربرد و کاخ ساخت و هنر آموخت و جویها روان کرد کیخسرو بود . در دوره اسلامی که مردم ایران کم کم به نامه‌های پیامبران اسرائیل خو گرفته‌اند ، کیخسرو را از اولاد پرویز جهان پسر «ارفخشد» پسر سام پسر نوح پیامبر دانسته‌اند. پیداست که در داستانهای ایرانی پیش از اسلام این نسبت را برای کیخسرو

نیاورده‌اند ، در این داستانها گفته‌اند که در روز نوروز اقالیم ایران شهر آبادان شد و نخستین روزی بود که پادشاهی کیخسرو رونق یافت و آراسته شد .

در دوره‌های اسلامی: عده‌ای از دانشمندان ، «نوروز» را به حضرت سلیمان پیامبر نسبت داده‌اند و یا لااقل جمشید را همان سلیمان می‌دانند بین افسانه‌های منسوب به جمشید و حضرت سلیمان شباهت‌های شگفت‌انگیزی بچشم می‌خورد .

می‌گویند حضرت سلیمان انگشتر معروف خود را گم کرد و بدین ترتیب پادشاهی از کف وی برفت و پس از ۴۰ روز جستجو انگشتر خود را بازیافت و شکوه گذشته را بدست آورد و پرستوئی پای ملخی به پیش سلیمان پیشکش برد و با منقارش آب بروی او پاشید ، و هدیه دادن در نوروز و آب پاشیدن بر یکدیگر از آن زمان باقی مانده است .

بهر حال ، در افسانه اساطیری ایران ، اقتساب نوروز به جمشید بیشتر بچشم می‌خورد جمشید به موجب افسانه‌ها در نوروز گوساله ماده‌ای را گرفته و بر آن نشسته و جن‌ها و شیاطین او را در یکروز از دماوند تا بابل برده‌اند و مردم برای این سفر شگفت‌انگیز، جشن برپا داشته‌اند .

به موجب روایت دیگر ، خداوند در نوروز بزرگی که ششمین روز از نوروز است از آفرینش موجودات فارغ شد و قبل از آن روز کیوان را آفریده بود که نیکترین روزهاست. می‌گویند : در آن روز نیک، زردشت مناجاتی به سوی آفریدگار کرد و کیخسرو با آسمان رفت و مردم نیکبختی را بین خود تقسیم کردند .

در اوستا کتاب دینی زردشت، نامی از نوروز نمی‌آمده و تنها در روایات «دینکرد» پهلوی به برگزاری نوروز در پارساها اشاره شده است .

بعضی از ایران شناسان به استناد این دو بیت شاهنامه :

چو آمد به برج حمل آفتاب
جهان گشت با فر و آمین و تاب
بتابید از آنسان ز برج بره
که گیتی جوان گشت زویکسره

آغاز پادشاهی کیومرث را که نخستین روز از ماه حمل بود روز «میلاد» نوروز دانسته‌اند و عده‌ای از محققین پس از بر شمردن کارهای کیومرث می‌نویسند : کیومرث در کوه‌جای ساخت و پلنگینه پوشید و پوشیدن لباس از آن زمان ، معمول شد و جانوران و وحوش در کنار تختش آرام گرفتند ...» .

نقل اینهمه افسانه‌ها در تب باید دلیل قدمت نوروز و اینکه از گذشته‌های خیلی دوری در ایران نوروز جشن گرفته می‌شد ، شمرد ...

گرامی داشتن نوروز از روز گاران کهن با استناد همین روایات و افسانه‌ها معمول بوده است .

(۲) گاهشماری نوروز

از مقوله «نوروز اساطیری» که بگذریم برای اثبات مسئله : «نوروز دراعتدال‌ریعی واقع شده» به غور و تفحص دقیق‌تری نیازمندیم ، شاید بررسی تمام جوانب این پرسش درسخنی کوتاه ، امکان نداشته باشد و نشود سخن قاطع و جامع و مانع بیان داشت ... ولی بهرحال ، «گاه شماری نوروز» - همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و دانشمندان گاهشمار ، با مطالعات ژرف خود ، به نتایج ارزنده‌ای دست یافته‌اند .

در ایران باستان گاه‌شماری معمول بوده و طبق سندهای تاریخی که در دست است ، آریائی‌ها پس از مهاجرت بایران ماههائی برای خود داشتند و نامهائی به گویش و لهجه خود برایام و ماهها گذارده بودند ، این اقوام پس از اختلاط‌های سیاسی ، مذهبی با اقوام مختلف و تسخیر سرزمین‌های دیگر گاه‌شماری خود تکمیل کردند بویژه : آسوریها بابلی‌ها و عیلامی‌ها در تعیین تاریخ اعیاد و مراسم مذهبی ایران مؤثر بوده‌اند .

طبقه بندی سال به چهار فصل بعدها متداول شد زیرا آریاها سال را بدو فصل سرما و گرما تقسیم می‌کردند ، فصل سرما ده ماه بود و فصل گرما فقط دو ماه. در وندیداد (اوستا) موسم سرما شامل زیم Zyama ، زیما Zyama و زیمو Zyamo بوده و هنگام گرما را «هما Ham» و «هما Hama» میخواندند .



بعدها در تعداد ماههای فصول زمستان و تابستان تغییراتی پدید آمد و تابستان ۷ ماهه و زمستان ۵ ماهه شد. در هر يك از این دو فصل جشنی برپا می شد که هر دو آغاز «سال نو» بودند نخستین جشن سال نو، همان نوروز فعلی است و نوروز بعدی به مهرگان تبدیل شد. ایرانیان این دو روز را بزرگ می داشتند و با اهمیت فراوان تلقی می کردند. مصادف شدن نوروز با آغاز فصل خرمی و سبز شدن گیاهان، آریاییان را واداشت که «نوروز بهاری» را عظمت و شکوهی دیگر بخشند بطوری که هم اکنون شکوه گذشته در سیمای جشن نوروز کنونی جلوه گر می باشد. در گذشته برای بزرگداشت بیشتر جشن بهاری عواملی پدید آمد و شاید وجود جشن فروردینگان و عقیده داشتن بر اینکه «مردگان در روزهای بخصوصی از پایان سال جدید به خانه و کاشانه خود سر می زنند» یکی از این عوامل باشد. ما چون درباره «جشن فروردگان و فرورین یشت» در گزارش و بررسی «چهارشنبه سوری در ایران» سخن گفته ایم* بنابراین به نکات دیگر می پردازیم.

گاه شماری نوروز در پیش از اسلام بویژه در دوره ساسانی ثابت نشده در تاریخ، دچار آشفتگی هائی است. مثلاً نوروز در آغاز انقلابات صنعتی یا تابستان واقع نشده بود و چون سال ۳۶۵ روز بطور کسر اضافی حساب می شد همواره بین سال صیفی و حساب شده اختلافاتی بود و نوروز بطور سیار جلو می آمده بطوری که در ۶۳۲ مسیحی و ۱۱ هجری نوروز یعنی اول فروردین ماه در ۱۶ ژوئن یعنی ۹۱ روز گذشته از ابتدای بهار واقع شده بود: * این مقاله در شماره آینده از نظر خوانندگان هفت هنر خواهد گذشت.

بهر حال اختلاف سال قدیم ایرانی با سال شمسی حقیقی موجب می شد که نوروز باستانی هر چهار سال از موعد اصلی خود یعنی تابستان به طرف بهار بیاید و این پیشروی و گردش سبب شد نوروز تابستانی منسوب به زردشت پس از یکصد و بیست سال به بهار برسد. پیدایش (بهیزک) یا گردآوری کسور صد و بیست ساله در یکماه «کیسه» خوانده می شد و در آن سال جشن هائی برپا می کردند.

کیسه هشتم در زمان انوشیروان (۵۷۹ - ۳۵۳۱) واقع شد و کیسه سوم که در زمان یزدگرد سوم بود بعلت انقراض آن سلسله جشن گرفته شد. ابوریحان بیرونی درباره «کیسه» مینویسد:

« به سال آفتاب چهار روز یله کنند، تا از وی به چهار سال روزی کامل آید و آنکه او را به روزهای سال بیفزایند تا جمله سیصد و شصت و شش روز شوند، و این فعل یونانیان و رومیان و سریانیان و نیز آن قبطیان مصر بود، از زمانه اغسطس قیصر ملک روم باز، و این سال را به یونانی اولمغیاس خوانند و به سریانی کیسیا و چون به تازی گردانی کیسه بود، ای «انباشته» که چهار یکهای روزاندر و انباشته همی آید روزی تمام، و پارسیان را از جهت کیش گبرکی نشایست که سال را به یکی روز کیسه کنند، پس این چهار روز را یله همی کردند، تا از وی ماهی تمام گرد آمدی به صد و بیست سال و آنگاه این ماه را برماه

های سال زیادت کردند تا سیزده ماه شدی و نام یکی ماه اندرو دوبار گفته آمدی و آن سال را بهیزك خواندندی ...

استاد جلال همائی ذیل صفحه ۲۲۲ التفهیم پس از بدل کردن «ب» به «و» در ابتداء «بهیزك»، آن را «پاکیزه از پاك» معنی میکند .

بهر حال پس از مرگ یزدگرد سوم کار سنجش کبیسه در ایران مختل شد و گردش روز نو سبب شد به «بهار» برسد و سرانجام در سال ۳۹۲ هجری به اول حمل و ابتدای فصل بهار رسیده و برای همیشه متوقف گردد .

به قول استاد محیط طباطبائی «انتقال نوروز به اول حمل که آغاز فصل بهار است، سبب ابداع وضع تازه‌ای در تاریخ گاه‌شماری ایران شد چه اول سال را از آغاز بهار یا اعتدال ربیعی به حساب می‌آوردند و پنج روز موسوم به خمه مسترقه را بر آخر اسفند می‌افزودند» .

ولی باز هم این وضع بهم خورد و نوروز به زمستان آمد، بطوری که به برج حوت رسید .

بالاخره در سال ۴۶۷ هجری که هفده روز مانده به حمل نوروز فرا رسیده بود ملک‌شاه سلجوقی دستور داد منجمان چاره بیندیشند و نوروز را به آغاز حمل بازگردانند .

حکیم عمر خیام، ابوالمظفر اسفزاری - میمون بن نجیب واسطی حلیم لوکری و عبدالرحمن خارنی که هشت تن از منجمان بنام دوره سلجوقی بودند این مهم را انجام دادند و تقویم جلالی را بوجود آوردند و نوروز سروسامانی یافت و این عید بزرگ با شرایط اقتصادی، اجتماعی، زمانی و مکانی مردم منطبق گردید .

۳) نوروز در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام

اگر کوروش را نخستین شاهنشاه مقتدر ایرانی بشماریم و هخامنشیان را مبداء دوره تاریخی ایران قرار دهیم باید به جستجوی چگونگی برگزاری نوروز در این دوره پردازیم. گفتیم نوروز یکی از مراسم دیرین آریاهاست ولی وقتی به پژوهش «نوروز» در دوره هخامنشیان میپردازیم مدرك قابل ملاحظه‌ای بدست نمی‌آوریم و تنها در کنده کاریهای تخت جمشید و کاخ آپادانا به تصاویری برخورد می‌کنیم که همه دلیل شکوه برگزاری نوروز در دوره هخامنشیان است و با اندکی دقت و مکث، می‌فهمیم، نوروز خود یادگاری از دوره‌های بس دوری است که به دوره هخامنشیان رسیده است .

فقط در يك دوره هخامنشیان، سال به چهار بخش تقسیم میشده که در پهلوی : «وهار» - «هامین» - «پاییزه» - «زمستان» نامیده میشد . با مطالعه سنگ‌نبشته‌ها ، آیات اوستا و سایر مدارك باقیمانده چنین بر می‌آید که هخامنشیان از ابتدای تشکیل حکومت خود در ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زنگنه

به سال و ماه و گردش زمان آگاه بودند و ابوریحان بیرونی این آگاهی را در آثار خود تصدیق کرده است.

هخامنشیان نوروز باستانی را در روز اول ماه اول فصل گرم یا تابستان جشن می گرفتند و بنابر آن دوره ویژه که سال به چهار فصل تقسیم میشد در سایر مواقع هخامنشیان سال را به ۶ فصل غیر مساوی تقسیم می نمودند و هر بخش را يك گاه، ياد گاه، و ياد گاس، و اولین فصل را د گاسانبار، می نامیدند.

در دوره هخامنشیان عقیده داشتند اهورمزدا جهان را در شش زمان آفرید که گاه اول ۴۵ روز گاه دوم ۶۰ روز، گاه سوم ۷۵ روز گاه چهارم ۳۰ روز و گاه پنجم ۸۰ روز گاه ششم ۷۵ روز و جمعاً ۳۶۵ روز و از ۵ روز آغاز هر د گاه، که اواخر گاه دیگر بوده جشن مربوط به آن گاه شروع میشد و به ترتیب دامیدبوزاریم maiduzareme میان بهار، -

« میدیوشم maidyuchem میان تابستان » - « پسته شاهیم paityichaim دانه آور،
« ایاسرم Ayathrem بر گشت رمه » - « میدیارم maidyarem - میان زمستان »
« همسپتدم Hamaspatmedam - برابری شب و روز ، گفته میشود.

در این گاهبنارها اهورامزدا به ترتیب آسمان - آب - زمین - گیاه - جانوران و
مردمان را آفریده بود و در برابر شب و روز یا اعتدال ربیعی اول نوروز ، انسان را خلق
کرده بود .

اما بهر حال در سال ۴۴۱ قبل از میلاد زمان حکومت اردشیر اول فرزند خشایارشا
هخامنشی تنها دوره‌ای است که سال به چهار فصل تقسیم شده است .

در آثار کشف شده بابل به تصویری از داریوش برمی‌خوریم که گویا داریوش همه‌ساله
هنگام نوروز به معبد «بل مردوک» رب النوع بزرگ بابل میرفته و او را تقدیس و تکریم
می‌کرده است .

در عهد هخامنشیان پادشاهان در نوروز بارعام می‌دادند، و نمایندگان کشورهای دور
هدایائی به پادشاهان ارسال میکردند و صاحب‌بار، نمایندگان ملل تابعه را به نوبت به خدمت
شاه می‌برد .

شاهنشاه آنچه از هدایا را که پر ارج و بها بود به خزانه می‌فرستاد و بقیه را بین مردم
تقسیم می‌کرد .

حجاریهای پلکانهای شمالی و شرقی آپادانا، کاخ بارداریوش کبیر در تخت جمشید نمودار
شکوه برگزاری جشن نوروز در ایران است .

بر دیواره یکی از این پلکانها تصاویری از نمایندگان خوارزمی‌ها - سگائی‌ها -
حبشی‌ها - ارمنی‌ها - افغانها - لیدیها - مصریها - هندیها - مادها - پارتها - خوزیها - بابلی‌ها
و ... حکاکی شده که هدایای نوروزی را به سوی شاهنشاه می‌آورند.

و این نمایندگان به قدر منزلت و تمدن شهریکری بحضور شاهنشاه میرسیدند.
نمایندگان در دشت وسیع مرودشت که رود «پلوار» از آن می‌گذشت گرد می‌آمدند،
هزاران خیمه در این دشت زده میشد و هنگام نوروز در تالار کاخ آپادانا به حضور شاهان
می‌رسیدند .

در تمام پله‌های کاخ آپادانا مراسم نوروز بخوبی نمایانده شده است، اسبها ، لباس
نمایندگان، نوع هدایا، وسایط نقلیه‌ای که هدایا را به حضور شاه می‌آورند ، همه در پله‌های
کاخ آپادانا و تخت جمشید دیده میشود .

مراسم نوروز در دوره هخامنشیان بقدری زیبا بود که نمیشود در این نوشته کوتاه همه چیز
را مو به مو بیان داشت .

شکوه برگزاری نوروز در دوره داریوش فوق‌العاده پر ابهت بوده در آثاری که از داریوش
بر جای مانده نمایندگان شوش را با هدایائی چون سلاح و شیر می‌بینیم، ارمنی‌ها را با ظروف طلا

و نقره و اسب بابلی‌ها را با جامه‌های زربفت و گاو میش و کاپادوکیه‌ها و فریژیهارا با اسب‌ها و طاقه‌های زرین و اسب و سلاح ملاحظه میکنیم .

با مروری کوتاه در بناهای تخت جمشید آگاهی ما بر تشریفات برگزاری نوروز در دربار شاهان هخامنشی صد چندان میشود و چنین درمی‌یابیم که نوروز برای پارسی‌ها و مادیها بزرگترین جشن سال بوده است .

به تشریفات نوروز در دوره اشکانیان و سلوکیه نمی‌پردازیم زیرا نه مدارك قابل توجهی داریم و نه اینکه واقعا نوروز در این هنگام شکوه و ارجی داشت ... خلاصه اینکه از مدارك باقیمانده چنین برمی‌آید : نوروز را ایرانیان جشن می‌گرفتند و هدیه فرستادن و هدیه دادن و اجرای مراسم باشکوه هرچه تمامتر ، که دوره‌های قبل یعنی هخامنشیان معمول بوده در این دوزمان ، متروک شده است .

برگزاری نوروز در زمان ساسانیان با ارج زیاد انجام می‌گرفت ... کتب پهلوی ، آثار محققان اسلامی همه به برگزاری باشکوه نوروز در زمان ساسانیان اشاره کرده‌اند و آنچه اساس نوروز کنونی ایرانیان است همان آداب دانی و عشق‌ورزی به مراسم ایرانی در زمان ساسانیان بوده است .

در زمان ساسانیان در جزیره العرب مهرگان و نوروز جشن گرفته می‌شد ، پادشاهان (حیره) که دست نشاندۀ شاهان ساسانی بودند چون ایرانیان نوروز را جشن می‌گرفتند ، در حجاز ، نجد ، یمن ، صنعا نیز نوروز جشن گرفته میشد و یک جشن ملی و سنتی و دولتی بشمار می‌آمد . تاجائی که بعضی از نویسندگان نوشته‌اند تشریفات نوروز در دربار شاهان ساسانی و شاهان کشورهای همسایه حدود یکماه طول می‌کشید .

در دوره ساسانیان نیز نوروز به شش ماه تقسیم میشد ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه می‌نویسد :

« آئین ساسانیان در این ایام چنین بود که پادشاه به روز نوروز شروع می‌کرد مردم را اعلام می‌نمود که برای ایشان جلوس کرده که به ایشان نیکی کنند ، و روز دوم را برای دهقانان که قدری مقامشان بالاتر از توده مردمان بود جلوس می‌کرد و خانواده‌ها نیز در این قسمت داخل بودند و روز سوم را برای سپاهان و بزرگان و موبدان جلوس می‌کرد و روز چهارم را برای اهل بیت و نزدیکان و خاصان خود ، و روز پنجم برای خانواده و خدم خود . و هر کدام را آنچه مستحق رتبه و اکرام بودند ایصال می‌کرد و آنچه مستوجب و سزاوار مبرت و انعام بودند می‌رساند و چون روز ششم می‌شد ، از قضاء حقوق مردمان فارغ و آسوده شده و برای خود نوروز می‌گرفت و جز اهل انس و اشخاصی که سزاوار در خلوت انس کسی دیگر را نمی‌پذیرفت و در این روز آنچه را که روزهای گذشته برای ایشان آورده بودند ، امر به احضار می‌کرد و آنچه می‌خواست می‌بخشید و هر چه که قابل خزانۀ او بود نگه می‌داشت . »

در زبان پهلوی نوروز را نوگ روز Noghroz می‌گفتند و در دینکرد آمده که در

نوروز همه مردم ایران شادی می کردند و دست از کار می شستند و مجالس شادمانی برپا می کردند .

پرفسور آرتور کریستن سن در کتاب (ایران در زمان ساسانیان) راجع به برگزاری نوروز در دربار ساسانیان می نویسد :

«رامشگران برجسته ساسانی بویژه باربد آهنگساز بزرگ که تأثیر به سزائی در موسیقی ساسانی کرده است ، در برخی دستاویزها و لحنهای خود به نوروز توجه خاصی داشته و دستاویزی در وصف نوروز و دیگر جشن های سال تهنیت مقدم بهار و زیبایی های طبیعت و مسرات حیات ساخته و پرداخته مانند : نوروزی و زرگ (نوروز بزرگ) سروستان - آرایش خورشید «آرایش خورشید» و ماه ابر کوهان (ماه بالای کوهسار) ...»

در متون پهلوی «جاماسب اسانا» - برهان قاطع التفهیم ابوریحان بیرونی - نوروزنامه خیام نیشابوری - کتاب المحاسن و اللذات - ایران در زمان ساسانیان کریستن سن - مطالب زیادی درباره نوروز در دربار ساسانیان نوشته شده و این همه پرداختن به ساسانیان دلیل عظمت و اعتبار این دوره در برگزاری جشن های بزرگ استقلال ملی - اقتدار و هوش شاهان این سلسله است .

شاهان ساسانی در روز ششم فروردین یا نوروز بزرگ بردیمانی برتن می کردند خود را می آراستند و شخصی که «قدم خیر» بود بر شاه وارد می شد و شاهنشاه را سپاس می گفت شاه به او هدایائی می داد .

خیام نیشابوری در «روزنامه می نویسد :

«آئین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدجرد شهریاری که آخر ملوک عجم بود چنان بوده است که روز نوروز ، نخست کس از مردمان بیگانه ، موبد موبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پرمی ، انگشتری و درمی و دیناری خسروانی و یک دسته خویده سبزرسته و شمشیری و تیرو کمان و دوات و قلم و اسبی و بازی و غلامی خوب روی ، و ستایش نمودی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عبارت ایشان :

... شما به جشن فروردین ، به ماه فروردین آزادی گزین یزدان و دین کیان ، سرور آوردت را دانائی و بینائی به کاردانی ، دیرزیو باخوی هژیر و شادباش بر تخت زرین و انوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاه دار ، سرت سبزاباد ، و جوانی چو خویده ، اسب کامگار و پیروز و تیغ روشن و کاری به دشمن و بازت گیرا و خجسته به شکار ، و کارت راست چون تیر و هم کشوری بگیر نو ، بر تخت با درم و دینار ، پیشت هنری و دانا گرامی ، و درم خوار و سرایت آباد و زندگانی بسیار .

چون این بگفتی چاشنی کردی و جام به ملک دادی و خویده در دست دیگر نمادی و دینار و درم در پیش تخت او نهادی و بدین ، آن خواستی که روزنو و سال نوه رچه بزرگان اول دیدار چشم بر آن افکنند تا سال دیگر شادمان و خرم ، با آن چیزها در کامرانی بمانند و آن برایشان

مبارك گردد که خرمی و آبادانی جهان درین چیزهاست که پیش شاه آوردندی .
گفته شده در ایام نوروز پادشاه باز سفیدی را به پرواز درمی آورد و اندکی شیر تازه و
خالص و پنیر را تبرك می کرد دوشیزگان در کوزه های سیمین که قلاوده های یاقوتی سبز داشت
از زیر آسیابها آب برمی داشتند و به شاه تقدیم می داشتند ، و ۲۵ روزمانده به نوروز دوازده
ستون در کنار صحن پادشاهی و حکومت ساخته میشد و بر سر آن حبوبات گندم ، جو ، برنج ، باقلا
کاجیله ، ارزن ، ذرت ، لویا ، نخود ، کنجد ، ماش می کاشتند و این دانه ها را که برای
تفال کاشته بودند تا روز شانزدهم فروردین نمی چیدند .

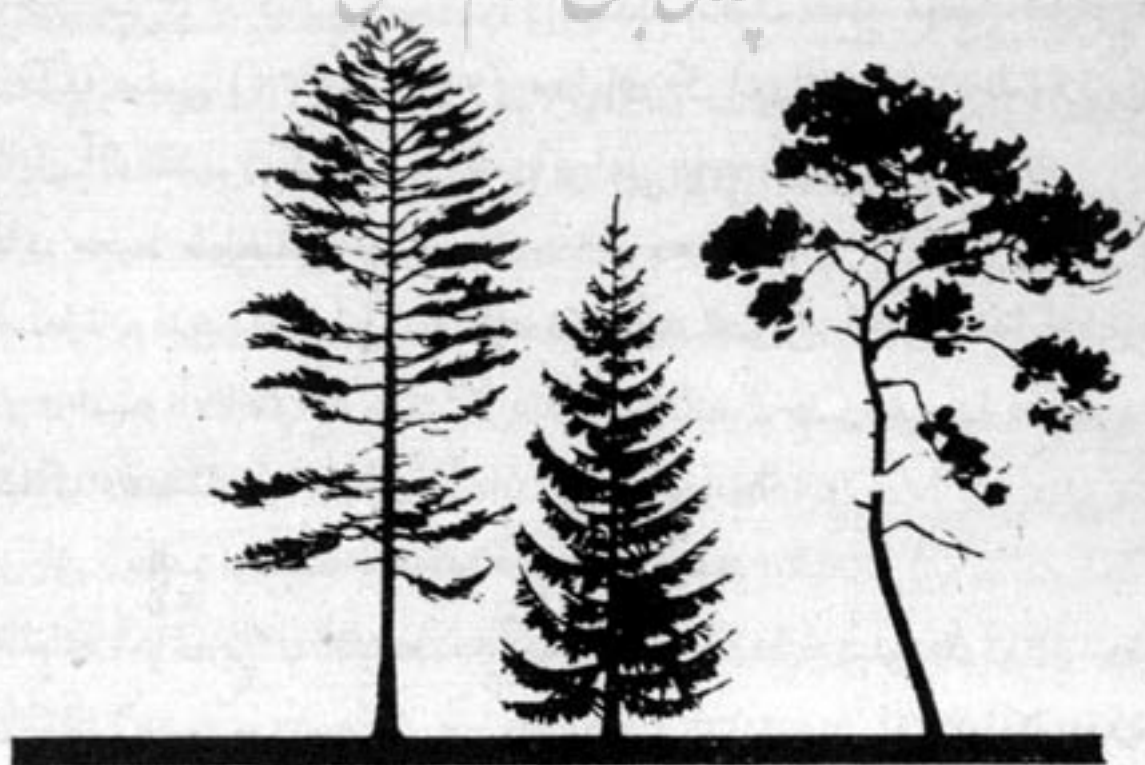
پادشاهان ساسانی در ایام نوروز کاغذهایی به اطراف ، اکناف و اصناف می نوشتند و
نیاز مردم به پیوست همان نامه ها میفرستادند ، باین نامه ها « اسپید نوشت » می گفتند .

در نوروز سکه نوزده میشد ، آبها و چشمه ها روان میگشت ، بناهای نوساخته می شد ،
بزرگان زیباترین هدایا را به حضور شاهان می آوردند ، مشک و لباس و طلا و نقره ، شمشیراز
بهترین هدایا بود گروه تیراندازان مسابقه می دادند . مردم بیگانه خراجهای خود را می
پرداختند و مردم دوست مالیات خود را بدربار می دادند .

شاه در ایام نوروز به بزرگان و دانشمندان نفقه می داد و شاعران بهترین سروده های
خود را قرائت می کردند . زن گرفتن و دختر ستاندن فراموش کردن غمها و دشمنی ها در ایام
نوروز معمول بود .

بهرام گور ، انوشیروان و اردشیر بابکان خزانهای خود را می گشودند و بمردم هدیه
می کردند که مردم را به جامه و خوردنی نیاز نباشد .

افروختن آتش ، آب ریختن بروی یکدیگر کاشتن سبزیجات شیرنی پختن و شکر هدیه
کردن ، شستشوی تن ، سه مرتبه غسل لیسیدن برای رهایی از بیماریهای علاج ناپذیر ، تن به
موم اندود کردن از رسوم دیگر دوره ساسانیان بود .



*

در روزگار هخامنشیان و ساسانیان هر گاه نوروز به شنبه می افتاد بفرمان شاهنشاه از رئیس روحانی یهودیان چهار هزار درم می گرفتند و نیز نوروز سالار تیراندازان کمانی با ۵ تیر به پادشاه هدیه می کرد ، پادشاه به گماشتگان سرزمین های خود ترنجی هدیه می کرد و شاهنشاهان هخامنشی اداره ای مخصوص بنام « دیوان نوروز » در دربار خود ساخته بودند و هدایای نوروزی که توسط شاهان ممالک دیگر می رسید به « صورت » بلند خود می نوشتند .

پ - نوروز در دوره های اسلامی

ایرانیان در تمام گیرودارهای تاریخی - همواره - حافظ زبان و فرهنگ ، سنن ، آداب و رسوم خود بوده اند و یکی از دلایل استواری نوروز باستانی ، پیوند آنان با سنت های دیرین ملی ، ذوق و اندیشه سرزمین خویش بوده است .

از کلیه متون تاریخی و کتب نویسندگان صدر اسلام چنین مستفاد می شود که پس از تسلط اعراب بر ایران ، ایرانیان همچنان نوروز را گرامی داشته و جشن می گرفتند .
ابوبکر بن محمد بن یحیی شطرنجی متوفی به سال ۳۳۶ هجری روایت می کند که « سالهای ۱۳ تا ۱۵ هجری دو سردار عرب به اسمی ولید بن عقبه و سعید بن عاص ، تقدیم هدایای نوروزی را از طرف مردم به فرمانروایان معمول کردند . »

شادروان استاد سعید نفیسی می نویسد : ایرانیان در زمان خلافت حضرت علی «ع» مقداری حلوی خرما را در ظروف نقره ای به پیشگاه آن حضرت بردند و به عنوان هدیه نوروزی به حضرت علی «ع» عرضه داشتند ، امیرالمؤمنین مقداری از حلوارا تناول فرمودند و گفتند : برای ما هر روز نوروزی است ... آنگاه بهای ظروف را بعنوان مالیات به بیت المال فرستاد .

جاحظ بصری در کتاب المحاسن والاضداد از قول خالد مهلبی نقل می کند که در نوروز المتوکل خلیفه عباسی (۲۳۲ - ۲۴۲) هدایای گرانبهایی چون جامه زرین و گویی عنبرین وزره و نظایر آن تقدیم دیگران می کند و این امر مایه شگفتی است ...
آقای محیط طباطبائی می گوید :

«مسلمانان در بین النهرین ، و شاید نخست در بحرین با قبول هدایای نوروزی و مهرگان به صحت و رسمیت آن اعتراف ضمنی کردند و مبنای سال خراجی را در قلمرو خلافت شرقی ، بر همان مبنای وقت شناسی ایرانی یا آغاز نوروز قرار دادند .»

جرجی زیدان نویسنده بزرگ عرب می نویسد :

«خلفای اموی برای افزودن درآمد خود ، هدایای نوروز را از نومعمول داشتند بنی امیه فرستادن هدیه ای در عید نوروز بر مردم ایران تحمیل کردند که در زمان معاویه مقدار

آن به ۵ تا ۱۰ میلیون درهم بالغ می‌شد .

عمر بن عبدالعزیز از گرفتن هدیه و دادن تحف در عید نوروز خودداری کرد و این امر سبب شد مردم ایران بی محابا نوروز باستانی را باشکوه فراوان برگزار نمایند . نوشته‌اند که اغلب خلفا به علت پذیرفتن رسوم و آداب ایرانی ، نوروز را جشن می‌گرفتند و شعرای پارسی زبان و تازی نویس ، اشعاری در عید نوروز با آواز بلند در دربار خلفا می‌خواندند و صله دریافت می‌داشتند .

هارون الرشید بیاری «برامکه» وزیران ایرانی خود نوروز را بزرگ می‌داشت . ظهور ابومسلم خراسانی و نفوذ برمکیان در دربارهای خلفای عباسی ، تشکیل سلسله طاهریان ، وجود نویسندگان چون حمزة بن حسن اصفهانی مولف «اشعارالسائره فی النیروز والمهرجان» در برقراری نوروز تأثیر فراوان داشت .

(احمد بن یوسف) از نویسندگان زمان مأمون شعری را با مطلع

هذا یوم جرت فیه العاده

بالطاف العبید للساده

به مأمون فرستاد و از آن زمان هدیه دادن در دربار مأمون از رسوم درباری محسوب شد . نوشتن تبریک نوروزی هم از زمان متوکل عباسی بوسیله حسن بن وهب متداول گردید .

ریختن آب بر سرو روی یکدیگر ، آتش افروزی نیز از زمان حکومت عباسیان بار- دیگر معمول شد .

ولی مخالفت با آداب و رسوم ایرانی نوروز همیشه وجود داشته و این خود ایرانیان بودند که در پایداری زبان و فرهنگ خود کوشیده‌اند مثلا طبری در بیان حوادث ۲۴۸ مینویسد : «روز چهارشنبه سه شب از جمادی الاولی رفته ، مطابق باشب یازدهم حزیران در بازار های بغداد از جانب خلیفه ندا در دادند که در شب روز آتش نیروزند و آب نریزند و نیز در روز پنجم همین مذاکره شد ولی در هنگام غروب روز جمعه بر باب سعید بن تسکین محتسب بغداد که در جانب شرقی بغداد است ندا در دادند که امیرالمومنین مردم را در افروختن آتش و ریختن آب آزاد گردانیده است ، پس عامه این کار را به افراط رسانیدند و از حد تجاوز کردند ، چنانکه آب را بر محتسبان شهر بغداد فرو ریختند» .

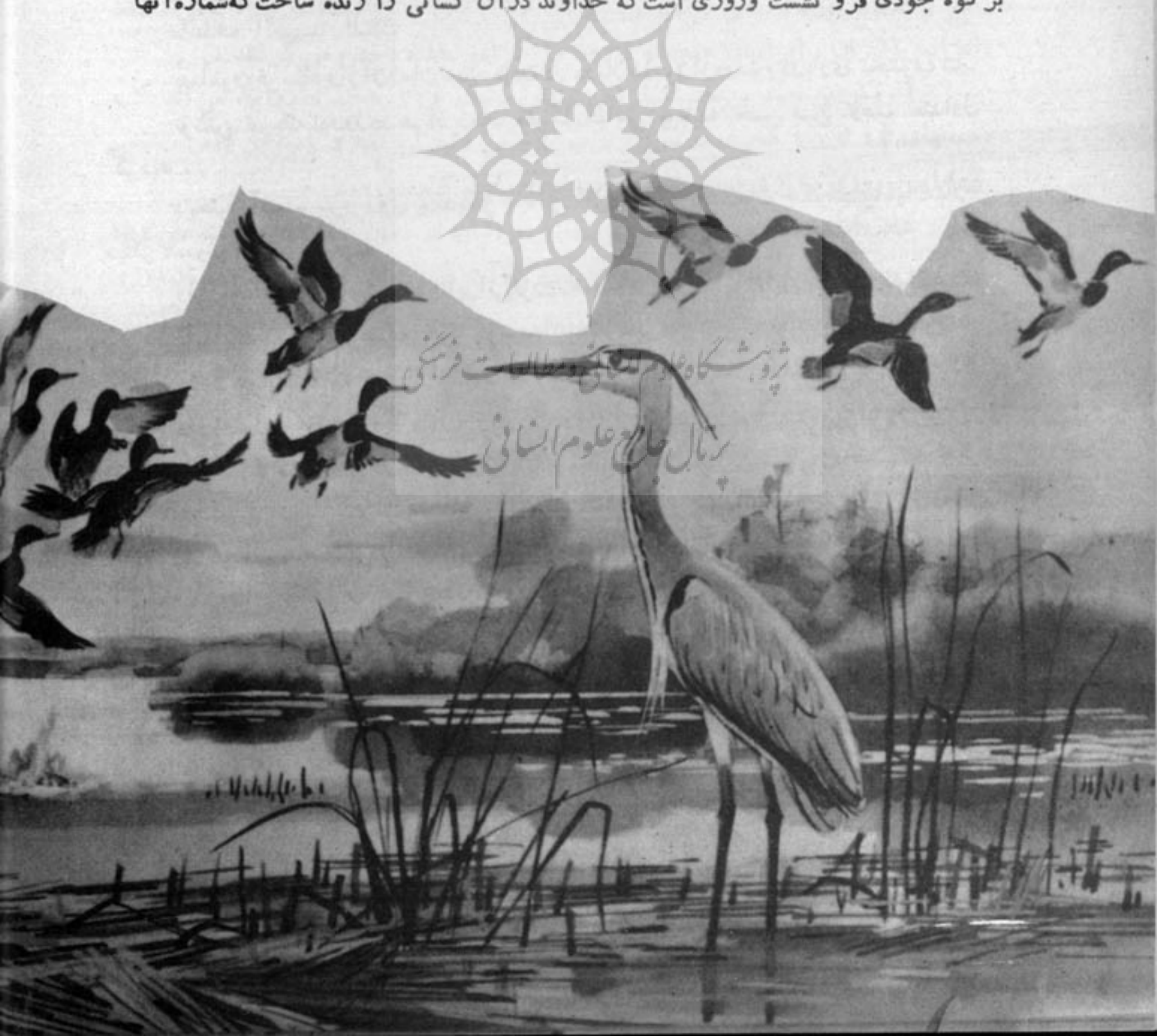
در جای دیگر روایت است : «مأمون خلیفه از حضرت رضا (ع) پرسید که نوروز چیست ؟ پاسخ فرمود روزی است که فرشتگان آن را بزرگ شمرده‌اند زیر خود در آن روز آفریده شده‌اند و پیامبران آن را بزرگ پنداشته‌اند زیرا آفتاب در آن آفریده شد و پادشاهان آن را حرمت گذارده‌اند زیرا نخستین روز از روزگار بوده است .»

در روایت دیگر آمده است «عبدالصمد بن علی نبیره عبدالله عباس از نیای خود ابن عباس روایت کرده است که در روز نوروز جام سیمین که در آن شهرینی بود به حضرت پیامبر

علیه السلام هدیه کردند . حضرت فرمود این چیست گفتند روز بزرگی پیش پارسیان است . حضرت فرمود آری این همان روزی است که خداوند در آن عسکر را جان دوباره بخشید . پرسیدند که عسکر چیست فرمود قوم بسیاری بودند که از بیم مرگ سرزمین خود را رها کردند و بیرون رفتند و آنگاه خداوند بدیشان اجل را فرو فرستاد و بمردند، پس در این روز آنان را زنده کرد و جانها را به تنهای ایشان باز آورد و فرمود آسمان برایشان باران فرو ریزد و بدین سبب آب پاشیدن در این روز سنت شده است .

سپس آن حضرت از شیرینی تناول فرمود و جام را در میان یاران تقسیم کرد و گفت کاش ما را هر روز نوروزی بود .

از حضرت صادق (ع) روایت است که گفت : ای معلم روز نوروز روزی است که خداوند در آن روز از بندگان خود پیمان گرفت که او را پرستند و چیزی شریک او ن سازند و پیمبران و راهنمایان او بگردند و به پیشوایان دین ایمان آورند ، نوروز نخستین روزی است که آفتاب در آن بر آمد و باد بوزید و در آن شکوفه بر زمین آفریده شد ، روزی است که کشتی نوح در آن بر کوه جودی فرو نشست و روزی است که خداوند در آن کسانی را زنده ساخت که شماره آنها



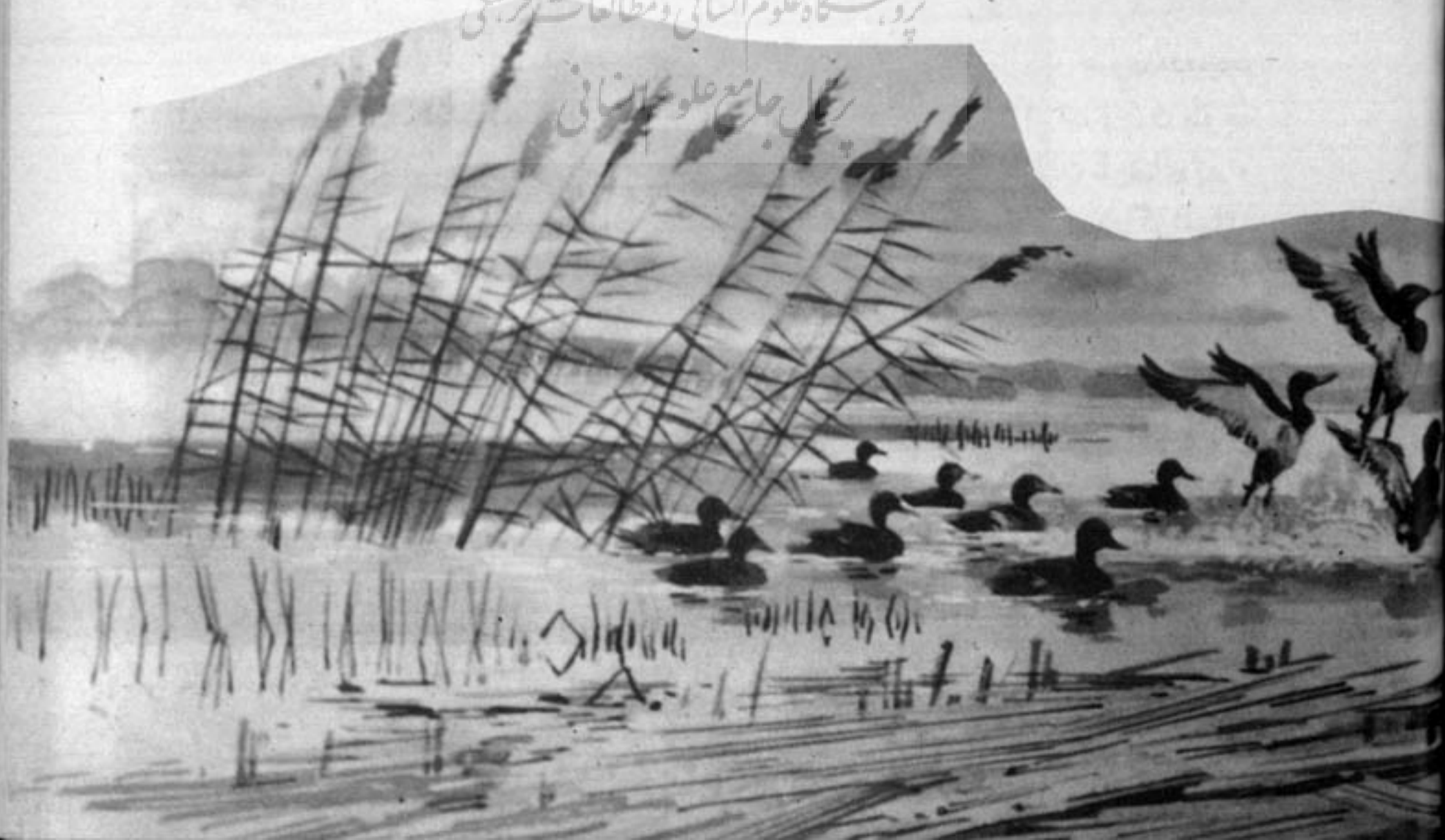
بهزاران میرسید و از بیم مرگ شهر و دیار خود را رها کردند و به فرمان الهی جان سپردند و دوباره ایشان را احیا کرد ، نوروز روزی است که خداوند در آن جبرئیل را بر حضرت رسول فرستاد و روزی است که پیغمبر امیرالمومنین علی را بر شانه خود پر آورد تا بتهای قریش را از فراز خانه خدا فرو بیفکند و بشکند ... همچنین روزی است که ابراهیم بتها را شکست و روزی است که پیامبر به یاران خود فرمود تا به علی بیعت ولایت امر کنند و روزی است که پیامبر علی را به وادی جن فرستاد تا بیعت بستاند و روزی است که در آن بیعت دومی به علی انجام پذیرفت و روزی است که به خوارج نهران پیروزشد (و ذوالثدیة را کشت) و روزی است که در آن قائم آل محمد ظاهر میشود و روزی است که قائم بردجال غلبه می کند و او را در کناسه کوفه بردار می آویزد. روز نوروزی نیست که مادر آن انتظار گشایشی نداشته باشیم زیرا نوروز از روزهای ما و اعیاد شیعه ماست . ایرانیان جانب آن را نگهداشته اند و شافرو گذاشتند تا آخر حدیث که بسیار مفصل است ..

آنچه از این احادیث برمی آید اینست که ایرانیان شیعه و سنی مذهب فوق العاده به نوروز احترام می گذاشتند و این جشن بزرگ را شکوهی تمام می بخشیدند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی



از سوئی دیگر ، ضمن بررسی این احادیث به شباهت آنها با روایات دینی پهلوی متوجه می شویم . (كامك بهرك) یا (کامه بهره) که بوسیله موبد فریدون در قرن دوازدهم هجری گرد آمده سخنانی از قول آشو زردشت نقل می کند که گوئی احادیث اسلامی نوروز و گفتارهای دینی زردشت یکی هستند و يك منبع و ماخذ دارند و نیاز به بررسی دقیق تر دارد !

ابو محمد غزالی در حدود ۹۰۰ و چند سال پیش در کتاب کیمیای سعادت جشن گرفتن نوروز ، مهرگان ، فروش سپرچوبین و بوق سفالین را در نوروز و سده شاعر گبران می داند و نهی می کند !

ما که ایرانی هستیم ، بهیچ وجه نمی توانیم بپذیریم که محمد غزالی نوروز را «شاعر گبران» بداند بلکه اینگونه مطالب پست ساخته و پرداخته دیگران در هنگام استنساخ نسخه های خطی دانشمندان ایرانی بوده است که باصله و انعام دشمنان این مرز و بوم سنن ملی ایران را نفی نموده اند !

سامانیان ، غزنویان ، آل زیار ، دیلمی به رعایت و نگاهداشت سنن ملی علاقه فراوان داشتند و بروش اجداد خود به مردم بار عام میدادند و جشن نوروز در این زمان بار دیگر متداول گردید .

عده ای از سخن پردازان نوشته اند : در روزگار غزنویان بیم آن میرفت که نوروز و سنت های دیگر نابود شود ولی وجود سخنوران و شاعران بزرگ این دوره باین اندیشه خط بطلان میکشد ، زیرا شاعران با اشعار زیبای خود پادشاهان این سلسله را به برگزاری نوروز شکوهمند ناگزیر می کردند .

منوچهری ، عنصری ، فردوسی ، فرخی با شعرهای نغز خود فرخندگی نوروز را یادآور شده اند .

در دربار آل بویه نیز جشن نوروز باشکوه تمام برگزار میشد یا قوت حموی در «معجم الادب» می نویسد : «عضدالدوله دیلمی نوروز را باشکوهی خاص جشن می گرفت و چون متوجه میشد که به آمدن سال نو چیزی نمانده ، به مجلس بزرگی می آمد که در کنار آن ظرف های زر و سیم پر از میوه های گوناگون و گل های رنگارنگ گذاشته بودند و بروی مسند بسیار گرانبهایی می نشست و منجم پیش می آمد و زمین را می بوسید و او را به نوشدن سال ، خوش آمد می گفت و خنیاگران را می خواست و ایشان به جای خود می نشستند و ندیمان خویش را هم می خواندند و ایشان به جای خود می ایستادند و بدینگونه مجلس را می فراموش می شد» .

به استناد اشعار شعرا و تاریخ بیهقی و راحة الصدور راوندی می توان گواهی داد : شاهان «نژاد بیگانه» چون غزنویان ، خوارزمشاهیان و اتکابان و سلجوقیان که ایرانی الاصل نبودند ، نوروز را شکوهمندان بر گزار میکردند و تشریفات نوروزی در دربار آنان رعایت میشد . ایلخانیان مغول و تیموریان نیز نوروز را گرامی می داشتند آمده است که «غازان خان» به مناسبت نوروز جشن مفصلی بر پا داشته است .



شاهزادگان تیموری و بابری که در هندوستان حکومت می کردند نوروز را با آداب و رسوم ایرانی جشن می گرفتند .

در مصر و عثمانیه قدیم ، مغولستان - پنجاب - چین و ماچین - زنگبار - جزایر خلیج فارس آفریقای جنوبی - سوریه - جزیره قرم یا دشت قیچاق ... از زمان تیموریان و ایلخانان مغول ، برگزاری جشن های نوروزی رایج شد و حتی درباریان شاه سلطان حسین ، محمد شاه هندی و سلطان حسین ابراهیم عثمانی از حیث برگزاری نمودن جشن نوروزی باهم به رقابت می پرداختند .

باید گفت : تا روی کار آمدن صفویه ، جشن گرفتن نوروز در دربارهای خانهای مغول و تیموری تقریباً فراموش شده بود و در این هنگامه ، تنها خود مردم بودند که نوروز را گرامی می داشتند .

وقتی نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی به حکومت رسیدند بجهت داشتن مذهب شیعه همواره نوروز را برترین جشن خود می شمردند و بدین سبب مراسم نوروز در دوره صفویه بار دیگر زنده شد .

شاه عباس کبیر مراسم نوروز را در اصفهان که بهاران شادابی داشت بطور مفصل جشن میگرفت و حتی شاه عباس دوم کاخ چهلستون را بنا کرد و آن را بانجام دادن مراسم نوروز اختصاص داد .

شاردن و تاورنیه که در قرن یازدهم هجری بایران آمده بودند شاهد برگزاری مراسم نوروز در دربار شاهان صفویه بوده و می نویسند : همه ساله تالار آینه قصر سلطنتی اصفهان برای مراسم نوروز آراسته میشد و پادشاه در قصر حضور می یافت و سفره ای در قصر گسترده شده و انواع میوه و اطعمه و اشربه سبزی و سوهان در آن چیده میشد . رامشگران به رقص و آواز و نواختن آلات موسیقی می پرداختند .

بعد از آن منجمان سال نور را اعلام میکردند مردم به شادی و سرور می پرداختند و قراولان سلطنتی گلوله های را شلیک می کردند و نوروز را آگهی می نمودند و آنوقت اصفهان يك پارچه شور و هیجان میشد .

پس از تحویل شاه به آب نگاه میکرد و از میوه ها و شیرینی ها می خورد و به دیوانخانه میرفت و به اطرافیان و بزرگان بارعام میداد با همه خوش و بش میکرد و آنگاه زر و سیم به آنان «عیدی» میداد .

همه لباس نو می پوشیدند ، گوسفندانی ذبح می کردند و بین فقرا تقسیم مینمودند . قاجاریان نوروز را به شیوه گذشتگان جشن می گرفتند منتها مراسم نوروزی دوره قاجار ترکیبی از آداب و رسوم ایران باستان و دوره اسلامی بود .

در دربار قاجار دو نوع مراسم نوروز و سلام رسمی معمول بود ، یکی سلام عام و دیگری سلام خاص ... در سلام خاص شاه قبل از تحویل سال نو به اطاق برلیان جلوس

می کرد و قرآن مجید و شمایل از حضرت علی (ع) را در برابر خود قرار می داد (قوللر آقاسی، پس از تحویل سال نو شیپوری مینواخت و سال نو را اعلام میکرد در این هنگام توپهای سلطنتی تیر شلیک میکردند و حلول سال نو اعلام میشد پیشخدمت ها کیسه های تافته سبز و سرخ را که محتوی سکه های زر بود بحضور شاه می آوردند و شاه به روحانیون و پیشخدمت ها عیدی میداد بعد شاه به اندرون میرفت و با اعضای خانواده خود بنای تبریک گفتن و عیدی دادن را می گذاشت .

در سلام عام شاه بر تخت مرمرین جلوس میکرد «خطیب السلطان» که يك روحانی بود خطبه عید را میخواند و شاعران قصاید نوروزی را قرائت می کردند و انعام میگرفتند . در این هنگام بزرگان سیاست و افسران ارشد وارد می شدند و سال نو را به شاه تبریک میگفتند .

پس از سلام شاه به نقارخانه میدان ارك میرفت و به کشتی پهلوانان پایتخت و گاهی جدال فیل ها با پهلوانان مینگریست

بعدها سلام های نوروز دربار قاجاریه به سه بخش تقسیم شد و به سلام تحویل ، سلام عام یا تخت مرمر و سلام سردر شهرت یافت .

دکتر هانریخ بروگشن عضو هیئت نمایندگی کشور پروس - سرجان ملکم - و «اوژن فلاندن» مراسم نوروزی دربار شاهان قاجار و در بین مردم این دوره را به خوبی مجسم کرده اند .

سرجان ملکم می نویسد :

«... در جمیع اطراف مملکت این عید را میگیرند غالباً تا يك هفته طول می کشد ، اما اصل روز اول است . در این روز جمیع طبقات نامر ، لباس قو میپوشند و با همدیگر معانقه و مصافحه میکنند و در خانه ها شیرینی میدهند و احتمال دارد که در هیچ ملکی شیرینی بیش از ایران صرف نمیشود، از بهترین خلویاتشان یکی گز انگبین است که از درخت گز گرفته و با قدری شکر و آرد مخلوط کرده، استعمال میکنند...»

فتحعلیشاه قاجار مراسم نوروز را در کاخ نگارستان منعقد میکرد در نخستین روز نوروز به این کاخ میرفت و مراسم نوروز را بر گزار می نمود .

ناصرالدین شاه مراسم نوروز را در کاخ بیلاقی خود بر گزار می کرد و بعد به قصر قاجار عشرت آباد و سلطنت آباد رفته چند روزی باستراحت میپرداخت .

آقای معیرالمالك در خاطرات خود از چگونگی بر گزاری نوروز در دربار فتحعلیشاه چنین پرده برمی دارد :

« در سلام تحویل ترتیب آراستن تالار موزه و ایستادن مردم بدین منوال بود : از چند گام بدر ورودی تالار مانده سفره سپید بزرگی گسترده بساط هفت سین را روی آن

می‌چیدند دامنه هفت سین تا شاه‌نشین و سیمی که تخت مرصع فتح‌علیشاه در آن قرار داشت کشیده میشد بالای تخت مسندی زربفت کار هندوستان می‌گسترده و روی آن تشکی نهاده مخمل ارغوانی مروارید دوزی رویش می‌کشیدند و کنار او متکای جواهر دوزی با ریشه و منگوله‌های مروارید قرار میدادند، چهار شمعدان مرصع پایه‌بلند که دارای آویزهای درشت از سنگهای قیمتی بود در چهار گوشه تخت نهاده و شمع‌های آن را می‌افروختند خواه روز و خواه شب سایر جارها و چراغها را نیز روشن می‌کردند در شاه‌نشین‌ها اطراف تخت روسای ایل قاجار با سرداربهای ترمه و شمشیرهای مرصع، روسای کشیک‌خانه و سواران مهدیه و منصور و غلام پیشخدمت‌ها و قورچیان و روسای زنبور‌کخانه با لباس‌های رسمی می‌ایستادند.

در يك سوی هفت سین سران سپاهی با نیم تنه‌سپید و شلوارقرمز یراق دارو شمشیر و شارب صف می‌آراستند و نایب‌السلطنه کامران میرزا در رأس آنان قرار می‌گرفت در طرف دیگر مستوفیان با شال و کلاه و جبه ترمه و چاقچور قصب‌سرخ می‌ایستادند و مستوفی‌الممالک با جبه مفتول دوزی مقدم بر همه جا می‌گرفت طرفین تخت بطور نیم‌دایره شاهزادگان با لباس سیاه مزین بر نشان ایستاده و هر يك یکی از وصله‌های طلای جواهر نشان سلطنتی از قبیل شمشیر، خنجر، گرز و سپر و غیره را بدست می‌گرفتند.

صدر اعظم با جبه و شمشیر صدارت نزدیکتر از همه به تخت می‌ایستاد و وزرا و اعیان زیر دست وی قرار می‌گرفتند، عمله خلوت و پیشخدمت‌های مخصوص در یکی از شاه‌نشینهای نزدیکتر تخت گرد می‌آمدند و خطیب‌الممالک و منجم‌باشی روبروی تخت می‌ایستادند.

آقای معیرالممالک بعد به چگونگی برگزاری جشن نوروز، کیسه‌های محتوی ۵ تومان شاهی سپید و ۵ اشرفی و ۳ تومان شاهی سفید و ۵ دوهزاری و کیسه‌های سه تومانی که هدیه نوروز شاه بودند اشاره میکند.

مراسم اندرون در عید نوروز نیز شایسته است:

و پس از پایان مراسم شاه آهنگ اندرون می‌کرد و همین‌ده بانجا میرسید بانوان حرم برای عرض تهنیت بر یکدیگر سبقت جسته شوری تماشائی پیا می‌کردند، پس از دادن و ستاندن بوسه‌های آبدار، شاه به بالاخانه قمرالسلطان خانم شیرازی یکی از همسران محبوبش میرفت و در ایوانی مشرف بر حوضی پر طول ولی کم عرض و عمق پشت میزی قرار می‌گرفت روی میز دو سینی بزرگ زرین پر از سکه‌های سیم و کیسه‌های شاهی سپید حاضر بود، خدمه اندرون از خرد و کلان دورحوض گرد می‌آمدند و شاه سکه‌ها را مشتی پراز مشت دیگر بزیر می‌ریخت و پس از آن به پرتاب کردن کیسه‌ها در حوض می‌پرداخت کنیزان برای ربودن مسکوک و کیسه‌ها در خاک و در آب درهم میریختند و ولوله‌ای بر پا و فریادها به آسمان می‌شد، معمولان کنیزکان سیاه چالاکی و مهارتی شگفت در آن‌معرکه

از خود بروز میدادند و بیشتر کیسه‌ها نصیب آنان می‌شد...
استاد جواهر کلام می‌گوید :

در زمان فتح‌علیشاه يك، نوع سلام نوروزی نیز برای زنان معمول بود و فتح‌علیشاه این سلام را با حضور آسیه‌خانم مادر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه - خانم كوچك نوه کریم خان زند - تاج‌الدوله اصفهانی و سایر زنهایش بر گزار می‌کرد!!
در زمان ناصرالدین شاه نیز انیس‌الدوله زن محبوب وی، بر گزاری سلام نوروزی زنان را بر عهده داشت!

نوروز در دربار پهلوی

اعلیحضرت رضاشاه کبیر فقط دو بار نوروز را به شیوه کهن بر گزار کردند و پس از آن اجرای مراسم نوروزی در ایران شیوه جدیدی یافت.
در مراسم نوروزی ابتداء قضا، بعد کارمندان وزارت امور خارجه و سپس کارمندان سایر وزارتخانه‌ها می‌ایستادند، اعلیحضرت رضاشاه ابتداء علما و بعد وزرای دربار و هیئت دولت را بحضور می‌پذیرفتند و بهر يك سکه طلا عیدی میدادند.
بعد اعلیحضرت بتالار بزرگ تشریف فرما میشدند و رئیس دیوان تهنیت نوروزی عرض میکرد و بعد شاهنشاه سان میدیدند و مراسم خاتمه مییافت.
هم اکنون مراسم نوروزی از سال ۴۷ با تغییراتی که از طرف وزارت دربار شاهنشاهی داده شده و از تصویب شاهنشاه گذشته انجام میشود، شاهنشاه آریامهر و شهبانو درتالار آینه کاخ گلستان جلوس می‌فرمایند و بعد درباریان، هیئت دولت، هیئت رئیسه مجلسین، مقامات عالی رتبه کشوری و لشکری و نمایندگان طبقات مردم از برابر معظم له عبور نموده و تبریک میگویند.
شاهنشاه آریامهر و شهبانو و سایر افراد خاندان سلطنتی مراسم خصوصی نوروز را به شیوه باستانی بر گزار می‌نمایند و سفره هفت سین گسترده، قرآن تلاوت میشود و شمع‌هایی ناشی از خلوص و ایمان بر سر سفره روشن میگردد پس از تحویل سال، شاهنشاه نظامیان را با لباسهای ارتشی، رجال را بالباسهای رسمی، قضا را با لباس داوری در کاخ گلستان بحضور پذیرفته و بهر يك سکه طلا مرحمت میفرمایند.

ت - دو افسانه نوروزی

۱ - بابا نوروز بر وایت آقای جواهر کلام :
« یکی بود یکی نبود، مرد آهنگری بود که زن خل وضعی داشت اسم این زن خورشید



نسا بود. هر روز صبح که آهنگر سر کار میرفت خورشید نسا يك كاسه تخم هندوانه بو داده بر میداشت و می برد سر پشت بام و همسایه ها را صدا میکرد و مشغول ور زدن و تخمه شکستن می شد، شب که آهنگر می آمد نه شام داشت نه زندگی و البته با خود خورشید نسا دعوا می کرد و بالاخره بخورشید نسا گفت من يك چرخ پشم ریزی برای تو میخرم و يك چارك پشم هم بهت می دهم شب که میام باید همه پشم ها را رشته باشی و اگر نه بلائی بروزت بیاورم که آن سرش ناپیدا باشه .

خورشید نسا فردای آن روز با دوک پشم ریزی و کاسه تخم هندوانه بو داده رفت سر پشت بام و مثل هر روز مشغول ور زدن شد. نزدیک غروب يك دفعه یادش آمد که الان شوهرش می آید و دعوا و مرافعه راه می اندازد یکمرتبه فکری بسرش افتاد که برود لب رودخانه و از خاله قورباغه کمک بگیرد. با این فکر آمد لب رودخانه ، چندبار با خاله قورباغه بقول خود درد دل کرد اما قورباغه مثل معمول قورقور میکرد. خورشید نسا گفت فهمیدم خاله قورباغه بمن می گوئی بیایم توی رودخانه چشم، الان می آیم. خورشید نسا کفشهایش را در آورد و با دوک پشم ریزی رفت توی رودخانه اتفاقاً پایش به يك ظرفی خورد ظرف در بسته را در آورد و آمد خانه همین که بزحمت در آن ظرف را باز کرد دید توی آن ظرف پر از پول طلاست .

شب که آهنگر بخانه برگشت خورشید نسا گفت ببین امروز رفته لب رودخانه از خاله قورباغه کمک بگیرم این ظرف پر از پول را بمن داد. آهنگر خوشحال شد و گفت خیلی خوب این ظرف پر از پول را نگهدار وقتی که عمو نوروز آمد و برای شب عید ما چیز میز آورد این پولها را باو بدهیم .

آهنگر صبح زود رفت سر کارش، کمی نگذشت يك سبزی فروش دوره گردی آمد و دادزد آی سبزی، آی سبزی. خورشید نسا جلو دوید و گفت اسم تو عمو نوروز است؟ سبزی فروش گفت نه، بعد يك میوه فروش آمد باز خورشید نسا از او پرسید میوه فروش جواب رد داد همین طور عده ای از دوره گردها آمدند و رفتند بالاخره يك تخم مرغ فروش از آنجا رد شد. خورشید نسا از او پرسید اسم تو عمو نوروز است، برای ما تخم مرغ رنگ کرده آورده ای. تخم مرغ فروش که مرد زرنگی بود گفت آری اسم من عمو نوروز است چه فرمایشی داری. خورشید نسا دوید توی صندوق خانه و آن ظرف پر از پول طلا را باو داد و گفت عمو نوروز خوش آمدی تخم مرغهای رنگ کرده را بده و این ظرف پر از پول طلا را بگیر من از صبح تا بحال منتظر تو هستم .

باین قسم خورشید نسا پولی را که مفت بدست آورده بود مفت به عمو نوروز دروغی داد ...

۲ - عمو نوروز به روایت صبحی مهتدی

یکی بود یکی نبود در روز گارهای خیلی پیش مردی بود بنام نوروز که سالی يك مرتبه روز اول بهار از سر کوه با کلاه نمدی و زلف و ریش حنا بسته کمر چین قدک، با شال خلیل خانی گیوه تخت نازک شلوار قصب، عصا زنان به سمت دروازه شهر می آمد بیرون دروازه باغچه ای بود که هر جور درخت میوه داشت و شاخه هایش پر از شکوفه بود و دورادور باغچه هم هفت جور گل بود از گل سرخ گل نرگس گل بنفشه گل همیشه بهار گل زنبق گل لاله گل نیلوفر این باغچه مال پیرزنی بود که دل داده عمو نوروز بود روز اول بهار صبح زود پامیش درخت خوابش را جمع میکرد و اطاقها و حیاط را جارو میکرد و پس از خانه تکانی فرارش را می آورد توی ایوان جلو باغچه دم حوضچه ای که فواره داشت می انداخت آن وقت خودش را ترو تمیز می کرد و حنای مفصلی به سر و دست و پا و سر انگشتها می گذاشت و هفت قلم از (خالو خطاطو سرمه و سرخاب و سفیداب و زرك) آرایش می کرد یل ترمه و تنبان قرمز و شلیته فنردار می پوشید عود و عنبر و مشک هم به سر و صورت و گیس می زد و منقل آتش را هم درست و آماده میکرد و يك کیسه کوچولوی اسفند هم پهلوی آن می گذاشت کوزه قلیان را هم آب گیری میکرد اما روی سر قلیان آتش نمی گذاشت چشم بر آه بود تا عمو نوروز بیاید پیش از این که این کارها را بکنند کارهای دیگر هم که برایتان می گویم می کرد .

در يك سینی قشنگ پاکیزه هفت سین (سیر - سرکه - سماق - سنجد - سیب - سبزی - سمنو)

می چید و در يك سینی دیگر هفت جور میوه خشك با نقل و نبات می گذاشت و يك شمع گچی توی شمعدان دم سینی می گذاشت و چشم بر راه عمون نوروز می نشست همینطور که نشسته بود پلك چشمش سنگین میشد و یواش خواب می گرفتش تا کار بجائی میرسید که کم کم خرناسش بهوا میرفت درین میان عمون نوروز سر میرسد تا چشمش به پیرزن می افتاد که خوابیده دلش نمی آمد بیدارش کند می آمد کنارش می نشست گل همیشه بهار از باغچه میکند و روی سینه اش می گذاشت از منقل هم هم آتش روی سرقلیان می گذاشت و چند پك میزد يك نارنج هم از میان دو پاره می کرد يك پاره اش را باقند و آب می خورد و آتشی منقل را که خوب گرفته بود برای اینکه ازین نرود زیر خاکستر می پوشاند و بوسه ای بلب پیرزن میزد و پامیشد و راه می افتاد آفتاب یواش یواش می تابید توی ایوان که پیرزن از خواب بیدار میشد اول چیزی دستگیرش نمیشد يك خرده که چشمش را باز میکرد میدید ای داده، و بیداد بهمه چیز دست خورد، قلیان آتش بسرش آمده نارنج از میان دو تاشده آتشی زیر خاکستر رفته لبش تراست.

آنوقت می فهمید که عمون نوروز آمده و رفته است و چون این در خواب بوده است نخواسته بیدارش کند با همه این زحمت که کشیده بود چون نادانی کرده بود و آن ساعتی که باید بیدار باشد خوابیده بود از دیدار عمون نوروز دور افتاده بود این بود که هر روز پیش این و آن درددل میکرد و چکنم چکنم میگفت تا یک روزی یکی باو گفت: چاره نداری جز آنکه یکسال صبر کنی تا زمستان سر بیاید و باد بهار بوزد و عمون نوروز راه بیفتد و در اول بهار چشم بیدارش روشن کنی.. پیرزن گفت بسیار خوب ولی کسی نفهمید که آیا سال دیگر این دو نفر همدیگر را دیدند یا نه، بعضی ها میگویند اگر این دو همدیگر را ببینند دنیا آخر میشود و چون هنوز دنیا آخر نشده است اینها همدیگر را ندیده اند.

ث - نوروز در موسیقی

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در موسیقی ایرانی دهها آهنگ و ترانه بنام نوروز وجود دارد که ، بذکر نام آنها اکتفا میکنیم:

نوروز کیقبادی

دستانهای چنگش سبزه بهار باشد

نوروز کیقبادی و آزادوار باشد

نوروز بزرگ

گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر

گاه نوروز بزرگ و گه نوای بسکنه

□

نوروز بزرگم بزنای مطرب امروز

زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز

باد نوروز - ساز نوروز - ناز نوروز - نوروزخارا - نوروز خردك - از
لحن‌های دیگر موسیقی ایرانی است

چ- نوروز در میان مردم

- چیدن هفت‌سین که عبارت‌از: سرکه - سماق - سنبل - سیر - سبزه - سنجد و سبزی باشد در بین خانواده‌های ایرانی معمول بوده و همه‌ساله در تمام نقاط کشور سفره هفت‌سین گسترده می‌شود .
- نوروز يك جشن خانوادگی است همه در موقع تحویل سال گرد سفره هفت‌سین می‌نشینند و پس از تحویل سال از دست مردم «خوشدست» پول نقره میگیرند که بدستان پول زیاد بیاید و ورود اشخاص خوشقدم را نیز بعد از تحویل سال ، بر خانواده گرامی می‌شمارند .
- در سفره هفت‌سین - نان سنگك خشخاشی - گل، ماهی - اسپند - آجیل چهارشنبه شیرینی - پنیر آب و قرآن کریم - برنج - طلا و نقره و ... هم گذاشته می‌شود.
- هنگام نوروز خوردن سبزی پلو - ماهی و کوکو سبزی و رشته پلو در ایران معمول است .
- اگر موقع تحویل سال، خرخاکی بدست کسی بیفتد برایش خوش‌یمن است.
- زنان برای چاقی ولاغری گاودار - مروارید سائیده - جوز و فوفل می‌خورند .
- تخم مرغ یا نارنجی را داخل کاسه آب می‌ندازند هر گاه آنها در داخل آب تکان خوردند می‌گویند سال تحویل شد !
- مردم عقیده داشتند: زمین روی يك شاخ گاو است و موقع سال تحویل ، گاو زمین را از يك شاخ بر میدارد و به شاخ دیگر می‌ندازد!
- مسقطی - نان بادامی - گز انکبین - خاتون پنجره - نان ولیمهدی - رشته برشته از شیرینی‌ها و خوردنی‌های رایج عید نوروز بود !
- در گذشته جارچی‌های مخصوصی که «خرم‌باش» یا «میر نوروزی» نامیده می‌شدند آمدن عید را به مردم نوید میدادند .
- سبز کردن گندم - عدس درون بشقاب و تره تیزك یا شاهی بدور قلقلك در بین خانواده‌های ایرانی معمول است .
- تخم مرغ رنگ کردن با پوست پیاز و برگ سدر معمول بود، در گذشته به عنوان عیدی، تخم مرغ به بچه‌ها میدادند!
- تهیه کباب زغال - جوش آوردن سماور - حمام رفتن، لباس نو پوشیدن - خانه تکانی عوض کردن آب حوض بیل زدن باغچه‌ها تا چند سال پیش در ایران متداول بود.
- تا چند سال پیش روستائیان با سبزه و گل و سرود خوانان به شهر می‌آمدند تا آمدن نوروز را به شهر بیا خبر بدهند.

□ در بعضی دهات ایران مثل « نکر روز سقر » کردستان مردم در ایام نوروز آتش می‌افروزند.

□ آویختن شال از روزه‌ها و پشت‌بام‌ها به خانه مردم و هدیه نوروزی خواستن در دهات ایران متداول است.

□ دید و بازدید از دوستان و آشنایان تا ۱۳ فوروز اغلب طول میکشد و در بعضی نقاط ایران، مردم کار کردن را به منظور شادمانی تعطیل میکنند.

□ کشتی گرفتن و قرآن خواندن بیاد مردگان، به پیروی از مراسم باستانی « فروردگان » در برخی از روستاهای کشور رایج است.

□ خرید وسایل خانه - نقاشی خانه - پختن نان، حنا بستن و آرایش زنان - تزئین مغازه‌ها رفتن به زیارت بزرگان و امامزاده‌ها - عیدی فرستادن داماد به عروس بوسیله « مشاطه » یا زن دلاله چه بصورت خوانچه و چه بصورت بسته‌های تحفه از مراسم پیش از تحویل سال نو میباشد.

□ خانواده‌های عزادار در سال اول مرگ عزیزان خود، معمولاً عید نمیگیرند ولی در سال‌های بعد بوسیله تحف آشنایان و خواهش دوستان از عزا در می‌آیند و رخت‌های شادی می‌پوشند.



ایرانیان باور دارند

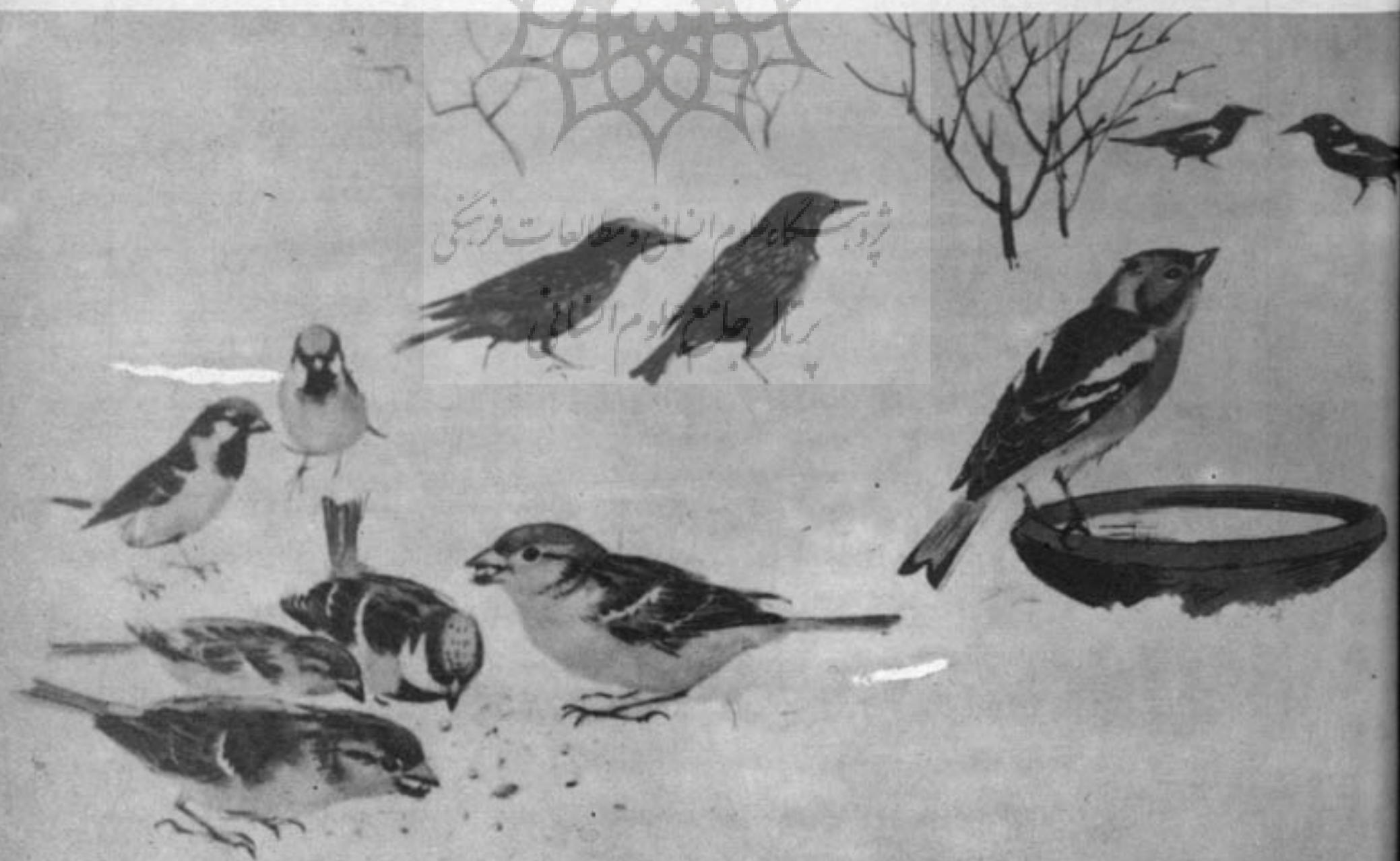
- شب عید باید اجاق آدم گرم باشد
 - دست کسی که نخستین سکه را میدهد باید خوب باشد
 - نباید عصبانی شد
 - باید قرضها را پرداخت
 - هر کسی باید سر سفره خود غذا بخورد .
 - هیچ فقیری را نباید محروم از درخانه بر گردانید .
- در هنگام تحویل سال ایرانیان این دعا را سر هفت سین نوروزی میخوانند:

یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال
و به روایت دیگر

یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا محول... الخ

□ برای بیان مطلب نوروز در بین مردم ایران و همچنین پژوهشی در باره نوروز در شعر و ادبیات پارسی از دوره های کهن تا به امروز ، مجال و فرصتی دیگر باید که سخنی به سزا گفته میشود .

آرزو مندم در این سال نو ، راه زندگیتان نرم و پایتان گرم بوده و روزهایتان با کامرانی و بهروزی ، قرین باشد .



منابعی ۴۲ در نوشتن این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است

- ۱- آثارالباقیه- ابوریحان بیرونی- ترجمه آقای داناسرشت
- ۲- التفهیم- ابوریحان بیرونی- به تصحیح استاد جلال الدین همائی
- ۳- ایران در زمان ساسانیان- پروفیسور آتور کریستن سن- ترجمه رشید یاسمی
- ۴- فرهنگ معین- استاد محمد معین
- ۵- برهان قاطع- محمد حسین بن خلف تبریزی- با اهتمام دکتر محمد معین
- ۶- بیست مقاله- سید حسن تقی زاده
- ۷- تاریخ ایران- سرجان ملکم
- ۸- تاریخ بلعمی- به تصحیح شادروان بهار و چاپ آقای محمد پروین گنابادی
- ۹- تاریخ بیهقی- ابوالفضل بیهقی- با اهتمام شادروانان فیاض و دکتر غنی
- ۱۰- شاهنامه فردوسی- چاپ آقای دبیر سیاقی
- ۱۱- حماسه سرائی در ایران- دکتر ذبیح اله صفا
- ۱۲- فرهنگ پهلوی- دکتر بهرام فره وشی
- ۱۳- فرهنگ عامیانه- جمال زاده- به کوشش آقای دکتر محجوب
- ۱۴- نگاهی به معتقدات مردم گیل و دیلم- سید محمد تقی میر ابوالقاسمی
- ۱۵- نوروز از نظر گاه شماری- نعمت شوقی
- ۱۶- دستگاهها و آهنگهای موسیقی و نام سازهای ایرانی- دکتر طلعت بصری
- ۱۷- کلیات مفاتیح الجنان- مرحوم حاج شیخ عباس قمی-
- ۱۸- مهنامه ارتش- شماره ۱۲ سال ۴۹ مقالات سعید نیاز کرمانی- بدرالدین ینمائی و سر تیب الوندپور
- ۱۹- نوروز در کردستان- مصطفی کیوان
- ۲۰- پیام نوین- تاریخ جشن نوروز سعید نفیسی- سال اول شماره ۷
- ۲۱- رادیو ایران (نوروز سال ۴۲) مقالات آقایان: دکتر ضیاء الدین سجادی، معیر المالك، دکتر صادق کیا، (نوروز سال ۴۳) مقالات آقایان: صبحی مهدی، جواهر کلام، محیط طباطبائی، نوروز سال (۴۴) مقالات آقایان: اسماعیل پور والی، محیط طباطبائی، جواهر کلام، پژمان بختیاری.
- ۲۲- هنر و مردم: شماره های ۴۵-۴۶-۵۳-۵۴-۵۸-۶۸-۸۰-۸۹-۱۰۹ در باره روستاهای ایران و مقاله نوروز آقای علیقلی محمودی بختیاری در شماره ۹۰
- ۲۳- اطلاعات بانوان: نوروز ۴۸- مقاله آقای جواهر کلام
- ۲۴- تلاش شماره ۲۷- مصاحبه با دکتر فره وشی
- ۲۵- سلسله مقالات نگارنده در روزنامه اطلاعات از نوروز سال ۴۸ تا ۱۳۵۲ که بایاری نمایندگان موسسه اطلاعات فراهم شده بود.
- ۲۶- آرشیو موسسه اطلاعات و سازمان شهرستانهای این موسسه.
- ۲۷- مقاله (نوروز) نگارنده در تلاش شماره نوروز ۱۳۵۰.